

ببینیم اگر آمریکا تصمیم بگیرد بدهی های خود را پرداخت نکند چه اتفاقی می افتد؟

اگر ایالات متحده قادر به بازپرداخت بدهی های خود نباشد، این دیگر یک نوسان اقتصادی ساده نخواهد بود، بلکه یک بحران دومینووار است که می تواند باعث فروپاشی سیستم مالی جهانی شود. با این حال، درک یک واقعیت کلیدی بسیار مهم است: **ایالات متحده به احتمال زیاد با یک «نکول فنی» مواجه خواهد شد تا از دست دادن کامل ظرفیت بازپرداخت.** از سال ۱۹۳۹، ایالات متحده صدها بار سقف بدهی خود را تنظیم کرده است تا از یک نکول اساسی جلوگیری کند.

طبق تحلیل موسسات و اقتصاددانان معتبر، عواقب این «عدم پرداخت» به سرعت در مسیر زیر گسترش خواهد یافت:

سه تأثیر مستقیم: از طوفان مالی تا زمستان اقتصادی

۱. انفجار «بمب هسته ای» در بازار مالی: اوراق قرضه خزانه داری ایالات متحده تنها «دارایی بدون ریسک» جهان محسوب می شود. نکول، پایه اعتباری آنها را متزلزل می کند. سرمایه گذاران برای جبران ریسک، نرخ بهره بالاتری را مطالبه می کنند و باعث افزایش شدید بازده اوراق خزانه داری ایالات متحده می شوند. این امر باعث کاهش شدید ارزش اوراق قرضه موجود می شود و به طور بالقوه واکنش زنجیره ای مشابه فروپاشی لمن برادرز در سال ۲۰۰۸ را ایجاد می کند که منجر به ورشکستگی گسترده بانک ها و موسسات مالی می شود.

۲. ایجاد بحران اعتباری دلار: ناتوانی طولانی مدت در حل مشکل بدهی می تواند فدرال رزرو را مجبور به ورود به "حالت چاپ پول" برای تأمین مالی بدهی (کسب درآمد از بدهی) کند. این امر مقدار زیادی دلار به بازار تزریق می کند که باعث تورم شدید، کاهش قابل توجه پس انداز و قدرت خرید مردم و در نهایت متزلزل شدن جایگاه دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی می شود.

۳. ایجاد رکود اقتصادی عمیق: برای جلوگیری از بحران، دولت ها ممکن است مجبور شوند اقدامات ریاضت مالی در مقیاس بزرگ را در زمان نامناسب (کاهش ناگهانی و شدید هزینه ها یا افزایش مالیات) اجرا کنند. تحلیلگران هشدار می دهند که چنین مقیاسی از انقباض مالی می تواند رشد اقتصادی ضعیف را به **انقباض اقتصادی ۳ درصدی** تبدیل کند و باعث رکودی شدیدتر از هر زمان دیگری از زمان جنگ جهانی دوم شود.

بحران عمیق: وقتی «دارایی های بدون ریسک» دیگر بدون ریسک نباشند

فراتر از ضربات مستقیم مالی و اقتصادی، عدم پرداخت بدهی ها بحران اعتماد عمیق تری را ایجاد خواهد کرد:

تعطیلی دولت و ناآرامی های اجتماعی: هنگامی که سقف بدهی به حد نصاب برسد، دولت ها قادر به پرداخت حقوق کارمندان دولت، تأمین اجتماعی و بیمه درمانی نخواهند بود و این امر منجر به تعطیلی خدمات عمومی و تشدید درگیری های اجتماعی می شود.

دلارزدایی جهانی شتاب یافته: این بحران، کشورها را مصممتر می‌کند تا وابستگی خود به دلار را کاهش دهند. سازمان‌هایی مانند بریکس و آسه‌آن در حال حاضر در حال آزمایش تسویه حساب‌های ارزی محلی و ارزهای دیجیتال هستند و به دنبال ایجاد شبکه‌های ایمنی مالی منطقه‌ای جدید می‌باشند. چرا ممکن است وضعیت به بدترین حالت خود نرسیده باشد؟

اگرچه خطرات بسیار زیاد است، برخی معتقدند که با توجه به قدرت کلی ملی ایالات متحده، فروپاشی کامل بعید است:

ذخایر مالی همچنان قوی: پایه و اساس قدرت ایالات متحده دست نخورده باقی مانده است و کمبود ارزها و دارایی‌های دیگر در سطح جهان وجود دارد که بتوانند به طور کامل جایگزین دلار برای جذب چنین حجم عظیمی از سرمایه شوند.

همیشه «برنامه‌های احتمالی» داشته باشید: پس از رسیدن به سقف بدهی (تاریخ X)، خزانه‌داری ایالات متحده معمولاً «اقدامات غیرمتعارف» مانند استفاده از ذخایر نقدی و تعلیق برخی از سرمایه‌گذاری‌های صندوق را برای حفظ عملیات و خرید زمان برای کنگره جهت افزایش سقف انجام می‌دهد.

آیا می‌توان «زمان خرید»: برخی از تحلیلگران خاطرنشان می‌کنند که ایالات متحده می‌تواند با انتشار مداوم بدهی جدید (استقراض جدید برای بازپرداخت بدهی قدیمی) بدهی‌های قدیمی را بازپرداخت کند. تا زمانی که اقتصاد به رشد خود ادامه دهد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن ممکن است از نرخ رشد نرخ بهره بدهی پیشی بگیرد و به این بازی اجازه ادامه دهد. این همچنین مبنای منطقی این دیدگاه است که «بدهی دوست ماست».

این جمله که «بدهی دوست ماست»، نقل‌قول معروفی از یک اقتصاددان است، اما در مورد آمریکا، این حرف یک قانون طلایی در اقتصاد مدرن محسوب می‌شود.

برای درک این موضوع، باید از زاویه یک خانوار معمولی خارج شویم و به چشم یک دولت بزرگ مثل آمریکا نگاه کنیم. در این منطق، بدهی نه تنها بد نیست، بلکه موتور محرکه قدرت است. ۴ دلیل کلیدی برای این ادعا می‌آوریم.

بدهی، «ارز جهانی» را خلق می‌کند (مهمترین دلیل)

دلار، ارز ذخیره جهان است و نفت و بسیاری از کالاهای اساسی با آن خرید و فروش می‌شوند.

وقتی کشورهای دیگر برای تجارت به دلار نیاز دارند، مجبورند اوراق قرضه آمریکا (اسناد بدهی) را بخرند. این یعنی جهان عملاً به آمریکا قرض می‌دهد تا آمریکا کالاهایشان را بخرد! به عبارت دیگر، بدهی آمریکا، «نیاز جهانی به دلار» را تامین می‌کند و این تقاضا، ارزش پول آمریکا را بالا نگه می‌دارد.

بدهی یعنی «مالیات بدون جیغ و داد»

دولت برای اداره کشور دو راه دارد: مالیات بگیرد (که مردم ناراحت می‌شوند) یا پول چاپ کند (که تورم وحشتناک می‌شود).

راه سوم، استقراض است. دولت آمریکا با فروش اوراق قرضه، بدون اینکه مالیات جدیدی وضع کند، پول جاده سازی، بیمارستان و ارتش را تامین می کند و این هزینه ها، رونق اقتصادی ایجاد می کنند. در واقع، بدهی یک ابزار سیاسی برای تامین بودجه بدون عصبانیت رای دهندگان است.

معجزه «نرخ بهره کمتر از رشد اقتصادی»

اگر نرخ سودی که آمریکا برای بدهی اش می پردازد (مثلاً ۴.۵٪) کمتر از نرخ رشد اقتصادی اش (مثلاً ۵٪) باشد، آن گاه بدهی به مرور کوچکتر می شود.

یعنی اقتصاد آنقدر سریع رشد می کند که درآمدهای مالیاتی جدید، هم هزینه بهره را پوشش می دهد و هم اصل بدهی را بی اهمیت می کند. این مثل قرض گرفتن ۱۰۰ تومان با سود ۱۰٪ و سرمایه گذاری آن در کاری است که سالانه ۲۰٪ سود دارد؛ شما عملاً با بدهی پولدارتر می شوید.

بدهی، «اهرم قدرت» در جنگ های سیاسی است

در آمریکا، بحث افزایش سقف بدهی هر چند سال یک بار به یک ابزار چانه زنی تبدیل می شود. احزاب با تهدید به نکول (عدم پرداخت)، امتیازات سیاسی و بودجه ای مورد نظر خود را از رقیب می گیرند. بنابراین، خود تهدید به بحران بدهی، تبدیل به یک «اهرم دوست» برای پیشبرد برنامه های سیاسی شده است.

علاوه بر این کشور های کوچک و بزرگ با خرید اوراق قرضه آمریکا عملاً به دوست آمریکا تبدیل می شوند بسته به حجم اوراقی که خریداری کرده اند تمایل دارند اقتصاد آمریکا رشد کند و سودهای دلاری خود را سرمایه دریافت کنند به این ترتیب بدون زحمت سالانه مقدار نسبتاً قابل توجهی دلار وارد اقتصاد خود می کنند این کشور ها در سازمان های جهانی تمایل دارند به نفع اقتصاد آمریکا رای دهند. به جدول زیر توجه کنید:

نام کشور	درصد بدهی خارجی	کاهش یا افزایش	مقدار تخمینی به میلیارد دلار	سود دریافتی به میلیارد دلار	درآمد ناخالص به میلیارد دلار ۲۰۲۴ - GDP	درصد مالکیت بدهی به GDP
اسرائیل	۱.۱۲	افزایشی	۱۰.۸	۵.۴	۵۲۸.۰۷	۲۰.۴۵
آلمان	۱.۱۴	افزایشی	۱۱۰	۵.۵	۴۷۱۰.۰۳	۲.۳۴
کره جنوبی	۱.۵۱	افزایشی	۱۴۵	۷.۲۵	۱۸۶۹.۹۲	۷.۷۵
عربستان سعودی	۱.۵۵	افزایشی	۱۴۹	۷.۴۵	۱۱۰۰.۷۱	۱۳.۵۴
برزیل	۱.۷۵	کاهش	۱۶۸	۸.۴	۲۱۸۸.۴۲	۷.۶۸
هند	۱.۹۲	کاهش	۱۸۵	۹.۲۵	۳۸۸۹.۱۳	۴.۷۶
نروژ	۲.۲۸	افزایشی	۳۱۹	۱۰.۹۵	۵۰۳.۷۵	۴۳.۴۷
هنگ کنگ	۲.۶۶	کاهش	۲۵۶	۱۲.۸	۴۰۱.۷۵	۶۳.۷۲
سنگاپور	۲.۸۳	افزایشی	۲۷۲	۱۳.۶	۵۳۰.۷۱	۵۱.۲۵
سوئیس	۳.۱۲	افزایشی	۳۰۰	۱۵	۹۴۲.۲۷	۳۱.۸۴
تایوان	۳.۲۵	افزایشی	۳۱۳	۱۵.۶۵	۷۷۵.۰۲	۴۰.۳۹
ایرلند	۳.۵۳	کاهش	۳۴۰	۱۷	۵۶۰.۵۷	۶۰.۶۵
فرانسه	۳.۹۱	افزایشی	۳۷۶	۱۸.۸	۳۱۷۴.۱	۱۱.۸۵
لوکزامبورگ	۴.۴۳	افزایشی	۴۲۶	۲۱.۳	۹۱.۲۱	۴۶۷.۰۵
جزایر کیمن	۴.۴۴	افزایشی	۴۳۷	۲۱.۳۵		
کانادا	۴.۹۱	افزایشی	۴۷۲	۲۳.۶	۲۲۱۴.۸	۲۱.۳۱
بلژیک	۵.۰۰	افزایشی	۴۸۱	۲۴.۰۵	۶۶۲.۱۸	۷۲.۶۴
چین	۷.۱۰	کاهش	۶۸۳	۳۴.۱۵	۱۸۲۷۳.۳۶	۳.۷۴
بریتانیا	۹.۲۴	افزایشی	۸۸۹	۴۴.۴۵	۳۵۸۷.۵۴	۲۴.۷۸
ژاپن	۱۵.۵۹	افزایشی	۱۵۰۰	۷۵	۴۰۷۰.۰۹	۳۶.۸۵
سایر کشورها	۱۸.۷۱	افزایشی	۱۸۰۰	۹۰		

در این جدول اسامی کشور هایی که مقدار زیادی از اوراق قرضه آمریکا را خریده اند آورده شده است.

این بازی تا زمانی دوستانه است که شرط اول برقرار باشد: جهان همچنان دلار را قبول داشته باشد.

اگر روزی اعتماد جهانی از بین برود و کشورها تصمیم بگیرند دلار را کنار بگذارند، آنگاه این بدهی تبدیل به خسارت بزرگ برای آمریکا می‌شود. اما تا وقتی که هیچ جایگزین مناسبی برای دلار وجود ندارد، آمریکا می‌تواند این بازی را تا ابد ادامه دهد؛ چون بدهی‌اش را به ارز خودش (دلار) چاپ می‌کند و هیچ‌گاه واقعاً ورشکست نمی‌شود.

به همین دلیل است که اقتصاددانان می‌گویند: «بدهی آمریکا، مشکل ریاضی نیست؛ مشکل سیاسی است.» تا وقتی اراده سیاسی برای افزایش سقف بدهی وجود داشته باشد، این بدهی نه‌تنها دشمن، که بهترین دوست دولت آمریکاست.

تعداد فزاینده‌ای از چهره‌های معتبر معتقدند که وضعیت مالی فعلی ایالات متحده ناپایدار است. ری دالیو، بنیانگذار Bridgewater Associates، هشدار داد که بحران بدهی ایالات متحده می‌تواند ظرف تقریباً سه سال (با حاشیه خطای حداکثر دو سال) فوران کند. کنت روگاف، اقتصاددان ارشد سابق صندوق بین‌المللی پول، نیز به صراحت اظهار داشت که احتمال عدم پرداخت بدهی ایالات متحده را نمی‌توان رد کرد.

به همین دلیل افرادی که اوراق قرضه آمریکا را خریده اند همواره باید به معجزه «نرخ بهره کمتر از رشد اقتصادی» توجه کنند.